

بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار

فروغ فرخزاد

دکتر سالومه رستم‌پور*

چکیده

نویسندگان و شاعران معمولاً سعی می‌کنند با درهم ریختن ترتیب توالی کلمات کلام، جملات خاص بیافرینند تا بتوانند تأثیر بیشتری در مخاطبان خود بگذارند. فروغ فرخزاد بیش از دیگر شاعران معاصر ایران سخنانش را در قالب جملات «نشاندار» بیان کرده است. او توانسته است با استفاده از جملات «نشاندار» علاوه بر آنکه تأثیر بیشتری بر مخاطبانش بگذارد، سبکی جدید نیز در شعر فارسی ایجاد کند. این مقاله می‌کوشد تا جملات «نشاندار» آثار این شاعر ایرانی را مشخص سازد و ساختار آنها را بررسی کند.

واژه‌های کلیدی

زبان‌شناسی، جملات نشان‌دار، شعر معاصر، جملات بی‌نشان.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.

مقدمه

هر یک از کلمات، به تنهایی، خارج از جمله یا متن نمی‌توانند تمام بار اطلاعاتی مورد نظر گوینده را به مخاطب برسانند؛ در واقع معنای اصلی و دقیق هر کلمه در «جمله» تعیین می‌شود. کلمات مطابق نقش‌های مختلف نحوی در کنار یکدیگر چیده می‌شوند. برای دریافت درست و معقولانه معنای کلمات باید آنها را براساس قوانین خاص هر زبان در کنار یکدیگر قرار داد. ترتیب توالی کلمات در جمله رابطه مستقیمی با تأثیرگذاری آن بر مخاطب دارد. مخاطبان هر زبانی می‌توانند بر اساس ترتیب توالی کلمات دو نوع اطلاع از جمله به دست آورند. جزء اصلی و پایه‌ای جمله دارای «اطلاع نو» است؛ معمولاً این قسم رکن اصلی جمله است و در جمله وجود دارد. سایر ارکان جمله که اطلاع جدیدی به مخاطب نمی‌دهد و از پیش برای او روشن است، اصطلاحاً «اطلاع کهنه» نامیده می‌شود. اگر ترتیب توالی کلمات در جمله تغییر کند، صورت قرارگیری «اطلاع نو و کهنه» آن هم جابه‌جا می‌شود؛ تکیه منطقی جمله هم عوض می‌شود، پس نقش زبانی کلام دگرگون می‌گردد.

ترتیب توالی کلمات جمله در هر زبانی یکسان نیست، براساس ماهیت و ساختار زبان‌ها این ترتیب متفاوت است. اگر ترتیب توالی کلمات جمله مطابق با ساختار و ماهیت زبان باشد، جمله پدید آمده اصطلاحاً جمله‌ای «بی‌نشان» است، اما اگر نظم متداول جمله در آن زبان تغییر کند، اصطلاحاً جمله ساخته شده جمله «نشاندار» نام دارد. جملات «خبری» بی‌نشان‌ترین و کاربردی‌ترین شکل جمله در هر زبان است. ترتیب توالی کلمات در جملات زبان فارسی قوانین ویژه‌ای دارد. براساس قوانین دستوری زبان فارسی «نهاد» ابتدا و «گزاره» بخش پایانی جمله را تشکیل می‌دهند. مطابق نظام جمله‌بندی زبان فارسی ترتیب توالی کلمات در جمله «خبری» چنین است:

فاعل +	مفعول + ادات + فعل
نهاد	گزاره

بر اساس این چینش جایگاه «اطلاع نو» در بخش پایانی جمله، «گزاره»، قرار دارد. مثلاً:
«رضا او را در خیابان دید.»

«اطلاع نو» در جمله بالا در بخش پایانی جمله، گزاره (او را در خیابان دید)، آورده شده است. می‌توان ترتیب توالی کلمات درون جمله را در زبان فارسی تغییر داد و آن را در اشکال متفاوتی به کار برد. مثلاً می‌توان جمله بالا را به اشکال زیر به کار برد:

«در خیابان رضا او را دید.»

«رضا در خیابان او را دید.»

«او را در خیابان رضا دید.»

«در خیابان او را دید رضا.»

گاهی حتی می‌توانیم رکن اصلی «اطلاع کهنه» جمله را حذف کنیم:

«او را در خیابان دید.»

یا رکن اصلی «اطلاع نو» را در آغاز جمله به کار بریم:

«دید در خیابان او را رضا.»

هر یک از جملات بالا نسبت به جمله نخست «نشاندار» هستند. تغییر ترتیب اصلی توالی کلمات جمله موجب «نشاندار» شدن آن می‌شود، نقش نحوی کلمات در هنگام تغییر توالی آنها در جمله تغییر نمی‌کند. یعنی اگر کلمه‌ای در جمله «بی‌نشان» از لحاظ نحوی «متمم» باشد در جمله «نشاندار» نیز «متمم» است؛ مثلاً واژه خیابان در جمله نخست «متمم» است، این واژه در جمله دوم نیز «متمم» است، اما به لحاظ ساختار و چینش واژگانی خاص این واژه در جمله دوم در جایگاه «فاعل» قرار گرفته است. «مبتدا» شدن واژگان غیر فاعل در یک جمله نشان‌دهنده تأکید کلامی گوینده است. گویندگان زبان فارسی با استفاده از این شیوه سعی می‌کنند، علاوه بر مؤکد ساختن کلام خود نقش زبانی جمله‌ها را تغییر دهند. مثلاً نقش زبانی در جمله نخست مثال بالا «ارجاعی» است، اما نقش زبانی در آخرین جمله مثال بالا به خاطر آن که فعل در جایگاه «مبتدا» قرار گرفته، «نقش شعری» است. کاربرد ساختارهای غیر دستوری در جمله باعث برجستگی جمله می‌شود؛ شیوه بیان یا صورت زبان در چنین جملاتی خلاف هنجار اصلی دستور زبان است. معیارهای معنایی واژگان در این جملات برخلاف معنای اصلی و حقیقی آنهاست. این جملات به اصطلاح «شعر» خوانده می‌شوند.

همه افراد جامعه از جملات «نشاندار» استفاده نمی‌کنند، بلکه تنها گروهی از آنها، شاعران و

نویسندگان، این گونه جملات را در آثار خود به کار می‌برند. آنها با تغییر ترتیب توالی کلام خود جملات خاصی می‌آفرینند تا بر مخاطبان نشان تأثیر بیشتری گذارند. به نظر می‌رسد هرچه میزان آفرینش جملات «نشاندار» در اثر شاعر یا نویسنده‌ای بیشتر باشد، تأثیرگذاری و ماندگاری او در میان مخاطبان بیشتر خواهد بود.

«فروغ فرخزاد» با به کارگیری جملات «نشاندار» توانسته است علاوه بر تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان، سبکی جدید در شعر فارسی ایجاد کند. او با درهم ریختن ساختار اصلی جملات زبان فارسی کوشید جملات بدیع و ماندگاری را پدید آورد. بسیاری از اشعار «فرخزاد» مطابق معیارهای اصلی دستور زبان فارسی نیست؛ مثلاً:

به لب‌هایم مزین فقل خموشی که در دل قصه‌ای ناگفته دارم
(اسیر، ص ۷۳)

مصراع نخست قطعه بالا یک جمله «نشاندار» است؛ نقش نحوی واژگان این جمله چنین است: «متمم + فعل + مفعول».

به نظر می‌رسد، رعایت «وزن» شعر عامل مهمی برای همنشینی کلمات جمله باشد. آرایش کلمات در این جمله تابع وزن است. شاعر با استفاده از «وزن» سعی کرده، ضمن برهم زدن هنجار منطقی حاکم در جمله بر بلاغت کلام خود بیافزاید. او با یاری «وزن» توانسته است جایگاه کلمات را در جمله تغییر دهد و آنها را آن‌گونه که خود می‌پسندد در کنار یکدیگر جای دهد. «فرخزاد» از این شگرد زبانی بسیار در آثار خود استفاده کرده است. او با جابه‌جا کردن اجزای اصلی جمله کوشید پیامش را شیواتر و تأثیرگذارتر به مخاطبش برساند. ساختار جملات «نشاندار» اشعار او را می‌توان بر مبنای جابه‌جایی عناصر جمله با ذکر نمونه‌هایی به انواع زیر تقسیم کرد:

فعل در جایگاه مبتدا

رفتم مرا ببخش و مگو او وفا نداشت راهی به جز گریز برایم نمانده بود
(اسیر، ص ۶۱)

۱- فروغ فرخزاد. اسیر. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۱.

بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد □ ۱۲۷

می‌دمیام در نی افسونی بادش / تا ز بستر رودها چون مارهای تشنه برخیزند.

(عصیان، ص ۵۲)

می‌دریدم پرده‌های دود را تا در خروش باد / دختر آتش بر قصد مست در آغوش جنگل‌ها

(عصیان، ص ۵۲)

می‌نشینم خیره در چشمان تاریکی می‌شود یکدم از این قالب جدا باشم؟

(عصیان، ص ۴۲)

باز هم دستی مرا چون زورقی لرزان می‌کشد پاروزنان در کام توفان‌ها

(عصیان، ص ۴۱)

می‌کشدی خلق را در کوره‌راه عمر چشم‌هاشان خیره در تصویر آن دنیا

(عصیان، ص ۱۸)

باشد که بانگ وحشی این فریاد / پیچد در آسمان شباب تو

(عصیان، ص ۵۸)

روزی رسد که چشم تو با حسرت / لغزد بر این ترانه دردآلود

(عصیان، ص ۶۰)

عاقبت بند سفر پایم بست می‌روم خنده به لب خونین دل

(اسیر، ص ۵۵)

می‌خواند آن نهفته نامعلوم / در ضربه‌های نبض پریشانم

(اسیر، ص ۱۲)

می‌بندم این دو چشم پر آتش را تا ننگرد درون دو چشمانش

(اسیر، ص ۱۵)

لرزید بر لبان عطش‌کرده‌اش هوس خندید در نگاه گریزنده‌اش نیاز

(اسیر، ص ۴۴)

می‌برم تا ز تو دورش سازم / ز تو ای جلوه امید وصال

(اسیر، ص ۵۴)

می‌روی خسته و افسرده و زار سوی منزلگه ویرانه خویش

(اسیر، ص ۵۶)

۱۲۸ □ بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد

ندانستند این بیگانه مردم که بانگ او طنین ناله‌ها بود
(اسیر، ص ۵۸)

می‌درخشد شعله خورشید / بر فراز تاج زیبایش

(دیوار، ص ۲۰)

می‌نهم پا بر رکاب مرکبش خاموش می‌خزم در سایه آن سینه و آغوش
(دیوار، ص ۲۲)

می‌کشم همره او زین شهر غمگین رخت

(دیوار، ص ۲۳)

نیست یاری تا بگویم راز خویش ناله پنهان کرده‌ام در ساز خویش
(اسیر، ص ۷۷)

می‌خزد در ظلمت قلبم / وحشت دنیای تنهایی

(دیوار، ص ۹۲)

می‌خزد بر سنگفرش کوچه‌های دور نور محوی از پی فانوس شبگردان
(دیوار، ص ۹۸)

می‌خزم از تو در دامن صحرا / سخت بفشارم بروی سبزه پا را

(دیوار، ص ۱۲۲)

می‌گیریم از تو در ساحلی متروک / از فراز صخره‌های گمشده در ابر تاریکی
(دیوار، ص ۱۲۲)

بشنوم از لابه‌لای بوته‌های خشک نغمه‌های شادی مرغان صحرا را
(دیوار، ص ۱۲۳)

می‌تراوم همچو عطری از گل رنگین رویاها / می‌خزم در موج گیسوی نسیم شب / می‌روم تا ساحل
خورشید

(دیوار، ص ۱۲۳)

گذشتم از تن تو زآن که در جهان / تنی نبود مقصد نیاز من
(دیوار، ص ۱۳۴)

۱- فروغ فرخزاد. دیوار. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۴۶.

بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد □ ۱۲۹

دیدم که در وزیدن دستانش / جسمیت وجودم / تحلیل می‌رود

(تولدی دیگر، ص ۵۲)

می‌دویدم در بیابان‌های وهم‌انگیز / می‌نشستم در کنار چشمه‌ها سرمست

می‌شکستم شاخه‌های راز را، اما / از تن این بوته‌ها هر دم شاخه‌ای می‌رست

(عصیان، ص ۱۷)

می‌خزیدم در دل امواج سرگردان / می‌گسستم بند ظلمت را ز پای خویش

(عصیان، ص ۱۷)

می‌ترسم از این نسیم بی‌پروا / گر با تنم این چنین درآویزد

(دیوار، ص ۱۴۷)

گوش دادم / گوش دادم به همه زناگیم

(تولدی دیگر، ص ۴۹)

جابه‌جایی اجزای فعل مرکب

در دامن سکوت غم‌افزایت اندوه خفته می‌دهد آزارم

(اسیر، ص ۵۲)

می‌خزم در سایه آن سینه و آغوش / می‌شوم مدهوش

(دیوار، ص ۲۲)

خوب دانم که مرا برده ز یاد من هم از دل بکنم بنیادش

(اسیر، ص ۶۶)

مرو بگذار در این واپسین دم / ز دیدارت دلم سیراب گردد / شبح پنهان شد و در خورد برهم

(اسیر، ص ۵۹)

باد از داروی تلخ خواب / عاقبت بر زخم بیداری نهم مرهم

(دیوار، ص ۱۲۸)

شادی و غم منی به حیرتم / خواهم از تو در تو آورم پناه

(دیوار، ص ۲۸)

ناگهان در خانه می‌پیچد صدای در / سوی در گویی ز شادی می‌گشایم پر

(دیوار، ص ۲۲)

1- فروغ فرخزاد. تولدی دیگر. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۶۳.

۱۳۰ بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد

موج وحشیم که بی خبر ز خویش / گشته‌ام اسیر جذبه‌های ماه

(دیوار، ص ۲۸)

تا سوی او دگر نکنی پرواز

(اسیر، ص ۱۷)

به بیمار دل خویش می‌دهم گوش

(اسیر، ص ۲۰)

مبتدا در جایگاه فعل

به سوی ابرهای تیره پر زد / نگاه روشن امیدوارم

(عصیان، ص ۷۶)

پریشان رنگین افق‌های فردا / نگاه مه‌آلود دیدگانت

(دیوار، ص ۸۲)

تا بی‌نهایت / تا آن سوی حیات / گسترده بود او

(تولدی دیگر، ص ۵۲)

آن‌چنان می‌کوفتم بر فرق دنیا مشت تا که «هستی» در تن دیوارها می‌مرد

(عصیان، ص ۴۴)

کاش چون آینه روشن می‌شد دلم از نقش تو و خنده تو

(دیوار، ص ۵۰)

قایم موشک بازی می‌کردن تو چشاش / دو تا نگین گرد صاف الماسی

(تولدی دیگر، ص ۱۱۹)

ای بسا شب‌ها که در خواب من آمد، او چشم‌هایش چشمه‌های اشک و خون بودند

(عصیان، ص ۲۳)

چرا افسرده است این قلب / پر سوز

(اسیر، ص ۱۹)

در لابه‌لای گردن و موهایم گردش کند نسیم نفس‌هایش

(اسیر، ص ۱۳)

روزها رفتند و در چشمم سیاهی ریخت ظلمت شب‌های کور دیرپای تو

(عصیان، ص ۱۶)

بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد □ ۱۳۱

لب گرمی که بر آن خفته به امید و نیاز / بوسه‌ای داغ‌تر از بوسه خورشید جنوب
(دیوار، ص ۸۶)

مفعول در جایگاه مبتدا

دست‌هایم را در باغچه می‌کارم / سبزه خواهم شد، می‌دانم، می‌دانم، می‌دانم
(تولد دیگر، ص ۱۵۳)

هر قصه‌ای که خواندی به گوش او / در دل سپرد و هیچ ز خاطر نبرده است
(اسیر، ص ۴۴)

آبرویی را که هر دم می‌بری از خلق / در ترازوی تو ناگه جستجو کردن
(عصیان، ص ۳۱)

او را فشرده بودم / در هاله حریق
(تولد دیگر، ص ۵۲)

خویش را آینه‌ای دیدم تهی از خویش / هر زمان نقشی در آن افتد به دست تو
(عصیان، ص ۱۹)

نغمه‌هایی را که ما با خشم / در سکوت سینه می‌رانیم
(دیگر، ص ۱۵۲)

دل را چنان به مهر تو بستم که بعد از این / دیگر هوای دلبر دیگر نمی‌کنم
(اسیر، ص ۴۳)

تا هزاران طعمه در دام افکنم، ناگاه / عالمی را پر خروش از بانگ نامم کرد
(عصیان، ص ۲۴)

تو را می‌خواهم و دانم که هرگز / به کام دل در آغوش نگیرم
(اسیر، ص ۳۳)

مفعول در جایگاه فعل

با هزاران جوانه می‌خواند / بوته نسترن سرود تو را
(عصیان، ص ۱۳۴)

۱۳۲ □ بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد

در کنار چشمه‌های سلسبیل تو ما نمی‌خواهیم آن خواب طلایی را
(عصیان، ص ۳۴)

می‌سایم از امید بر این در باز / انگشت‌های نازک و سردم را

(عصیان، ص ۵۸)

صدایم رفت تا اعماق ظلمت به هم زد خواب شوم اختران را
(عصیان، ص ۷۶)

کمر نارون پیر شکست / تا که بگذاشت بر آن پایش را

(اسیر، ص ۷۰)

در بوسه‌های پر شررش جویم لذات آتشین هوس‌ها را
(اسیر، ص ۱۳)

اگر عمری به زندانم کشیدی رها کن دیگرم این یک نفس را
(اسیر، ص ۳۵)

اگر خواهم که خاموشی گزینم پریشان می‌کنم کاشانه‌ای را
من آن شمعم که با سوز دل خویش فروزان می‌کنم ویرانه‌ای را
(اسیر، ص ۳۵)

آیینه همچو چشم بزرگی / یکسو نشسته گرم تماشا / بر روی شیشه‌های نگاهش / بنشانده روح عاصی
شب را

(عصیان، ص ۷۱)

بشنوم از لابه‌لای بوته‌های خشک نغمه‌های شادی مرغان صحرا را
(دیوار، ص ۱۲۳)

در غروبی دور / چون کبوترهای وحشی زیر پرگیرم / دشت‌ها را کوه‌ها را آسمان‌ها را

(دیوار، ص ۱۲۲)

به چشمی خیره شد شاید بیاید نهانگاه امید و آرزو را
(اسیر، ص ۵۸)

آخرین لحظه تلخ دیدار سربه‌سر بوچ دیدم جهان را
(عصیان، ص ۶۴)

حافظ آن پیری که دریا بود و دنیا بود بر جوی بفروخت این باغ بهشتی را

بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد □ ۱۳۳

من که باشم تا به جا می‌گذرم از آن تو بزنی بر نام شومم داغ زشتی را
(عصیان، ص ۳۴)

آه... آیا ناله‌ام ره می‌برد در تو تا زنی بر سنگ جام خودپرستی را
یک زمان با من نشینی با من خاکی از لب شعرم بنوشی درد هستی را
(عصیان، ص ۱۵)

شعله‌سان سر می‌کشم تا خرمنت سوزم یا خمش سازی خروش بی‌شکیم را
(عصیان، ص ۱۵)

من تشنه صدای تو بودم که می‌رود در گوشم آن کلام خوش دلنواز را
(عصیان، ص ۸۲)

دستی که با یک گل / از پشت دیواری صدا می‌زد / یک دست دیگر را

(تولد دیگر، ص ۱۴)

از چهره طبیعت افسونکار بریسته‌ام دو چشم پر از غم را
(اسیر، ص ۵۱)

به خدا می‌برم از شهر شما دل شوریده و دیوانه خویش
(اسیر، ص ۵۳)

رفتی و با تو رفت مرا شادی و امید دیگر چگونه عشق تو را آرزو کنم
(اسیر، ص ۴۴)

دستی درون سینه من می‌ریخت سرب سکوت و دانه خاموشی
(عصیان، ص ۹۴)

خوب دانم که مرا برده ز یاد من هم از دل بکنم بنیادش
(اسیر، ص ۶۶)

متمم در جایگاه مبتدا

با هزاران جوانه می‌خواند بوته نسترن سرود تو را
(عصیان، ص ۱۳۴)

در کنار چشمه‌های سلسبیل تو ما نمی‌خواهیم آن خواب طلایی را
(عصیان، ص ۳۴)

به خدا می‌برم از شهر شما دل شوریده و دیوانه خویش
(اسیر، ص ۵۳)

۱۳۴ □ بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد

- در غرویی دور / چون کبوترهای وحشی زیر پرگیرم / دشت‌ها را کوه‌ها را آسمان‌ها را
(دیوار، ص ۱۲۲)
- در بوسه‌های پرشررش جویم لذات آتشین هوس‌ها را
(اسیر، ص ۱۳)
- به چشمی خیره شد شاید بیابد نهانگاه امید و آرزو را
(اسیر، ص ۵۸)
- از پیش من برو که دل‌آزارم ناپایدار و سست و گنه‌کارم
(اسیر، ص ۲۹)
- تا داغ و پرتیش نشود قلم از شعله نگاه پریشانش
(اسیر، ص ۱۵)
- در گیسوان آن زن افسونگر دیوانه‌وار عشق و هوس ریزد
(اسیر، ص ۱۶)
- بر دامنم غنوده بود طفلی و من ز مهر بوسیده‌ام دو دیده در خواب رفته را
(اسیر، ص ۴۸)
- از چهره طبیعت افسونکار بر بسته‌ام دو چشم پر از غم را
(اسیر، ص ۵۱)
- مرو بگذار در این واپسین دم / ز دیدارت دلم سیراب گردد / شبخ پنهان شد و در خورد برهم
(اسیر، ص ۵۹)
- ز جمع آشنایان می‌گریزم به کنجی می‌خزم آرام و خاموش
(اسیر، ص ۲۰)
- در چشم روز خسته خزیده است رؤیای گنگ و تیره خوابی
(عصیان، ص ۶۹)
- در جهانی خفته در آرامشی جاوید نرم می‌نغمم درون بستر ابری طلایی‌رنگ
(دیوار، ص ۱۲۴)
- در دل باغچه خانه تو شور من ولوله بر پا می‌کرد
(دیوار، ص ۵۱)
- به خدا غنچه شادی بودم دست عشق آمد و از شاخم چید
(اسیر، ص ۵۴)

بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد □ ۱۳۵

با غروری که چشم مرا بست پا نهادم به روی دل او
(اسیر، ص ۲۶)

همه ذرات جسم خاکی من از تو ای شعر گرم در سوزند
(عصیان، ص ۱۳۴)

متمم در جایگاه فعل

شب تیره و ره دراز و من حیران / فانوس گرفته او به راه من

(دیوار، ص ۱۴۵)

بگذار تا دوباره شود لبریز چشمان من ز دانه شبنمها
(عصیان، ص ۵۹)

ره میند... بلکه ره برم به شوق در سراچه غم نهان تو
(دیوار، ص ۲۹)

آتش زخم به خرمن امیدت با شعله‌های حسرت و ناکامی
(اسیر، ص ۱۷)

وه که با صد حسرت این ویرانه را روشنی بخشیده‌ام از نور خویش
(دیوار، ص ۳۴)

خفته بر هودج موج نسیم می‌گذشتم ز در خانه تو
(دیوار، ص ۵۰)

چه دور بود پیش از این زمین ما / به این کبود غرغره‌های آسمان

(تولدی دیگر، ص ۲۲)

نشانه‌ای مرا کنون به زورقی / ز عاج‌ها، ز ابرها، بلورها

(تولدی دیگر، ص ۲۱)

می‌خزند آرام روی دفترم دست‌هایم فارغ از افسون شعر
(عصیان، ص ۱۲۸)

می‌دوینند از پی سگ‌ها / کودکان پابرهنه سنگ به دست

(عصیان، ص ۹۹)

می‌خرامند از دری بر درگهی آرام سینه‌هاشان خفته در آغوش مرجان‌ها

(عصیان، ص ۳۵)

شهری است در کناره آن شط پرخروش با نخل‌های درهم و شب‌های پر ز نور

(اسیر، ص ۴۷)

گوشواری به دو گوشم می‌آویزم / از دو گیلاس سرخ همزاد

(تولدی دیگر، ص ۱۵۳)

کاش ما آن دو پرستو بودیم / که همه عمر سفر می‌کردیم / از بهاری به بهاری دیگر

(تولدی دیگر، ص ۱۷)

شهر جوشان درون کوره ظهر کوچه می‌سوخت در تب خورشید

(عصیان، ص ۹۸)

این آخرین لالایی‌ست / در پای گاهواره خواب تو

(عصیان، ص ۵۸)

می‌توان ساعات طولانی / با نگاهی چون نگاه مردگان ثابت / خیره شد در دود یک سیگار / خیره شد در

شکل یک فنجان

(تولدی دیگر، ص ۶۵)

زندگی سر می‌کشد چون لاله‌ای وحشی / از شکاف گور

(دیوار، ص ۱۲۸)

تکرار بخشی از جمله

می‌کنم ناله که کامی، کامی / وای بردار سر از دامن من

(اسیر، ص ۷۲)

لب تشنه می‌دود نگهم هر دم / در خفزه‌های شب، شب بی‌پایان

(اسیر، ص ۱۴)

ترس‌ترسان در پی آن پاسخ مرموز / سر نهادم در رهی تاریک و پیچاپیچ

سایه افکندی بر آن پایان و دانستم / پای تا سر هیچ هستم، هیچ هستم، هیچ

(عصیان، ص ۱۸)

دمساز باش با غم او، دمساز

(اسیر، ص ۱۷)

بر هستیم به پیچد، پیچد سخت

بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد □ ۱۳۷

(اسیر، ص ۱۲)

ناله کردم مرو، صبر کن صبر

(اسیر، ص ۲۷)

عاقبت زین خواب دردآلود / جان من بیدار شد، بیدار

(دیوار، ص ۹۲)

نتوانم، نتوانم جستن / هر زمان عشقی و یاری دیگر

(تولدی دیگر، ص ۱۷)

خوب می‌دانم که دیگر نیست امیدی / نیست امیدی

(دیوار، ص ۱۴۱)

داشتم با همه جنبش‌هایم / مثل آبی راکد / ته‌نشین می‌شدم آرام آرام

(تولدی دیگر، ص ۴۹)

منابع و مأخذ

- ۱- حقوقی، محمد. فروغ فرخزاد: شعر فروغ فرخزاد از آغاز تا امروز، شعرهای برگزیده تفسیر و تحلیل موفق‌ترین شعرها [شعر زمان ما (۴)]. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۴. ##
- ۲- روشنگر، مجید. از نیما تا بعد. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۶۳. ##
- ۳- سجودی، فرزانه. نشانه‌شناسی و ادبیات (مجموعه مقالات). تهران: انتشارات فرهنگ کاوش، ۱۳۸۴. ##
- ۴- سوسور، فردیناند. زبان‌شناسی عمومی. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس، ۱۳۷۸. ##
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: سخن، ۱۳۸۰. ##
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. تهران: آگه، ۱۳۸۵. ##
- ۷- فالر، راجر... [او دیگران]. زبان‌شناسی و نقد ادبی. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نشر نی، ۱۳۸۱. ##
- ۸- فرخزاد، فروغ. اسیر. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۱. ##
- ۹- فرخزاد، فروغ. دیوار. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۴۶. ##
- ۱۰- فرخزاد، فروغ. عصیان. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۷. ##
- ۱۱- فرخزاد، فروغ. تولدی دیگر. تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۶۳. ##

۱۳۸ □ بررسی ساختار جملات نشاندار در اشعار فروغ فرخزاد

- ۱۲- قویمی، مهوش. «زبان‌شناسی و کاربرد آن در ادبیات»، مجله زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱، ۱۳۶۷. ##
- ۱۳- صفوی، کورش. از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد اول: نظم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۳. ##
- ۱۴- صفوی، کورش. از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد دوم: شعر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۳. ##
- ۱۵- مایاکوفسکی، ولادیمیر ویچ. شعر چگونه ساخته می‌شود؟. ترجمه محمد قائدی و امیر هوشنگ افتخاری‌راد. تهران: نگار و نکیسا (نگیما)، ۱۳۸۴. ##
- ۱۶- محمودوف، حسن. «ترتیب توالی کلمات در جملات ساده دو ترکیبی فارسی»، ترجمه احمد شفایی، مجله زبان‌شناسی، سال سوم، شماره اول (۱۳۶۵)، ص ۵۳-۶۷، ۱۳۶۵. ##

Archive of SID